

از سوی دیگر، نوع نگاه برخی تصمیم‌گیران همچنان این است که صنعت باید منتظر تأمین خوراک از سوی دولت بماند، نه اینکه خود وارد میدان سرمایه‌گذاری شود. این نگاه باید اصلاح شود. امروز شرایط کشور ایجاب می‌کند که از تمام ظرفیت‌های داخلی برای توسعه بالادست استفاده کنیم.

■ با این حال، در نمایشگاه نفت امسال شاهد امضای نخستین قرارداد توسعه میادین با مشارکت یک هلدینگ پتروشیمی بودیم. آیا این اتفاق را می‌توان نقطه عطفی در این مسیر دانست؟ این قرارداد از چند جهت اهمیت دارد؛ نخست اینکه نشان می‌دهد بحث سرمایه‌گذاری پتروشیمی‌ها در بالادست، صرفاً در حد ایده یا مطالبه صنفی باقی نمانده و وارد فاز عملیاتی شده است. امضای قرارداد توسعه میدان با هلدینگ باختر و پتروفرنگ در نمایشگاه، یک پیام روشن داشت؛ صنعت پتروشیمی آماده ورود مسئولانه به حل مسائل ملی است. اهمیت این قرارداد بیش از حجم یا ابعاد آن، در ماهیت آن است. این قرارداد می‌تواند به عنوان یک الگوی اولیه مورد بررسی، اصلاح و توسعه قرار گیرد. اگر این تجربه موفق باشد، می‌تواند مسیر را برای ورود سایر هلدینگ‌ها و شرکت‌های پتروشیمی هموار کند. با تداوم این گونه قراردادهای حمایت ساختاری دولت، می‌توان امیدوار بود که یک جریان پایدار سرمایه‌گذاری در بالادست شکل بگیرد؛ جریانی که هم به نفع صنعت است و هم به نفع اقتصاد ملی.

چنین قراردادهایی می‌توانند آغازگر تغییر نگاه در سیاست‌گذاری انرژی باشند؛ تغییری که در آن، صنایع بزرگ کشور نه مصرف‌کننده صرف، بلکه بازیگر فعال در تأمین و توسعه انرژی تلقی می‌شوند.

پیام نخستین قرارداد توسعه میدان با پتروشیمی‌ها روشن است: اگر اعتماد ایجاد شود و چهارچوب‌ها منطقی باشد، صنعت پتروشیمی آماده است بخشی از بار توسعه بالادست را بردوش بکشد. این همان نقطه‌ای است که منافع دولت، صنعت و اقتصاد ملی به هم می‌رسد.

■ اگر این سرمایه‌گذاری‌ها محقق شود، چه تأثیری بر اقتصاد کشور خواهد داشت؟

تأثیر آن بسیار فراتر از صنعت پتروشیمی خواهد بود. نخست، افزایش تولید گاز به معنای کاهش فشار بر شبکه انرژی کشور است. دوم، با تثبیت خوراک، تولید پتروشیمی پایدارتر می‌شود و صادرات افزایش می‌یابد؛ یعنی افزایش ارزش‌آوری غیرنفتی. سوم، این سرمایه‌گذاری‌ها سبب انتقال دانش، ایجاد اشتغال و فعال شدن زنجیره‌ای از پیمانکاران داخلی می‌شود. در نهایت، کشور از چرخه معیوب «ناترازی - محدودیت - کاهش تولید» خارج می‌شود.

■ نقش دولت را در این میان چگونه تعریف می‌کنید؟

نقش دولت، بیش از هر چیز، تنظیم‌گری هوشمندانه است. دولت لازم نیست همه چیز را خودش انجام دهد، اما باید مسیر را هموار کند. ایجاد چهارچوب‌های قراردادی جذاب، ثبات مقررات، اعتماد به بخش خصوصی و نگاه مشارکتی به صنعت پتروشیمی، کلید حل بسیاری از مشکلات است؛ دولت اگر صنعت پتروشیمی را نه صرفاً منبع درآمد کوتاه‌مدت، بلکه شریک توسعه بلندمدت بداند، بسیاری از گره‌ها خودبه‌خود باز می‌شود.

■ در پایان، اگر بخواهید یک پیام کلیدی به سیاست‌گذاران کشور بدهید، آن پیام چیست؟

پیام من ساده اما راهبردی است: صنعت پتروشیمی فقط یک صنعت نیست؛ سرمایه‌ای ملی، تجربه‌ای انباشته و فرصتی کم‌نظیر برای عبور از چالش‌های اقتصادی و انرژی کشور است. اگر به این صنعت اعتماد شود و به آن میدان داده شود، می‌تواند نه تنها بار خود، بلکه بخشی از بار اقتصاد ملی را نیز به دوش بکشد. ■



در برخی موارد، آیین‌نامه‌ها مغایر با قانون هستند و نیاز به اصلاح دارند. قانون‌گذار به صراحت تأکید کرده که قیمت محصولات پتروشیمی باید در بازارهای جهانی قابل رقابت باشد. ما یک صنعت صادرات‌محور هستیم و هنگام فروش در بازارهای بین‌المللی باید شرایط رقبا در نظر گرفته شود. باید مشخص باشد رقبا ما خوراک را با چه قیمتی دریافت می‌کنند و محصول نهایی آنها با چه هزینه‌ای تولید می‌شود؛ به‌ویژه در کشورهایی که صاحب منابع انرژی هستند، مانند آمریکا، عربستان و قطر، اینها را باید به عنوان رقیب در نظر بگیرند. رقیب ما اروپا نیست که در فرمول قیمت‌گذاری لحاظ شده است، چراکه اروپا واردکننده انرژی است و این تفاوت باید در سیاست‌گذاری‌ها لحاظ شود.

■ صنعت پتروشیمی چه نقشی می‌تواند در مسأله ناترازی انرژی به‌ویژه گاز داشته باشد؟

ناترازی انرژی یک واقعیت ساختاری در اقتصاد ایران است و نباید آن را صرفاً به عنوان یک بحران فصلی دید. این ناترازی حاصل سال‌ها عدم سرمایه‌گذاری کافی در بالادست، رشد نامتوازن مصرف و نبود اصلاحات قیمتی است. نکته مهم این است که صنعت پتروشیمی می‌تواند بخشی از راه حل باشد، نه بخشی از مشکل. برخلاف تصور رایج، پتروشیمی‌ها فقط مصرف‌کننده گاز نیستند؛ آنها می‌توانند سرمایه‌گذار در تولید گاز نیز باشند.

■ سرمایه‌گذاری پتروشیمی‌ها در میادین نفت و گاز تا چه حد عملیاتی است؟

این موضوع کاملاً عملیاتی و مبتنی بر منافع مشترک است. بسیاری از شرکت‌ها و هلدینگ‌های پتروشیمی آمادگی دارند که در میادین گازی و حتی نفتی سرمایه‌گذاری کنند؛ چه به صورت مستقیم، چه از طریق مشارکت با شرکت ملی نفت یا کنسرسیوم‌های تخصصی. منطق این سرمایه‌گذاری روشن است: برای صنعت پتروشیمی، امنیت خوراک حیاتی است. وقتی شرکتی در تولید گاز مشارکت داشته باشد، هم از پایداری تأمین خود مطمئن‌تر است و هم به حل مسأله ملی ناترازی کمک می‌کند. این یک بازی برد-برد برای دولت و صنعت است.

■ پس چرا این ظرفیت هنوز به طور گسترده فعال نشده است؟

چالش اصلی، چهارچوب‌های حقوقی و قراردادی است. سرمایه‌گذاری در بالادست نفت و گاز نیازمند قراردادهای شفاف، بازگشت سرمایه مشخص و تضمین‌های حقوقی است. متأسفانه، هنوز سازوکارهای موجود به طور کامل با منطق اقتصادی بخش خصوصی همخوانی ندارد.



صنعت پتروشیمی می‌تواند بخشی از راه حل باشد، نه بخشی از مشکل. برخلاف تصور رایج، پتروشیمی‌ها فقط مصرف‌کننده گاز نیستند؛ آنها می‌توانند سرمایه‌گذار در تولید گاز نیز باشند